###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

######  واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**آگاهي مديران آموزش و پرورش و موفقيت آنها**

**استاد:**

**تهيه كننده:**

**فصل اول**

**مقدمه:**

رشد و گسترش همه‌جانبه آموزش و پرورش و ارتباط آن با همه نهادها و سازمانهاي اجتماعي، اقتصادي، سياسي و فرهنگي و.‌.. و همچنين كثرت تعداد دانش‌آموز و نيروي انساني يعني معلمان و ساير كاركنان، اختصاص منابع مالي عظيم، مسائل و مشكلات زيادي را در سازمانهاي گوناگون اين نهاد اساسي اجتماعي بوجود آورده است و باعث شده است كه كشورهاي مختلف جهان، بخصوص بعد از تئوري «مديريت علمي تايلور» دريابند كه سازمانهاي آموزشي و پرورشي نيز همانند ديگر سازمانهاي اداري، اقتصادي و.‌.. (حتي بيشتر از آنها) نياز به مديريت سنجيده و هوشمندانه دارند و بايستي مديران تحصيل كرده و مجرب كه از استعداد و توانايي لازم برخوردارند، مسئوليت ادارة اين گونه سازمانها را برعهده داشته باشند، تا با استفاده از علم و هنر مديريت، بويژه مديريت آموزشي، مسائل و مشكلات را كاهش داده و با برنامه‌ريزي، سازماندهي، هدايت و رهبري، و تصميم‌گيري درست و مناسب، از بروز آنها تا حد امكان جلوگيري بعمل آورند و نظام تعليم و تربيت را به سوي پيشرفت و تعالي سوق دهند (قرائي مقدم، ص8)

اگر بپذيريم آموزش و پرورش هر جامعه‌اي تضمين كنندة رشد و توسعه همه جانبه آن جامعه است، بايد مديريت آموزشي را كه از اهميت بسزايي در تحقق اهداف آموزش و پرورش دارد، از ساير شاخه‌هاي مديريت با اهميت‌تر بدانيم. تحقق اهداف آموزش و پرورش به انجام بهينه وظايف مديريت آموزشي بستگي دارد. مديران آموزشي وظايف اداري آموزش و پرورش خود را از طريق كاركردهاي مديريتي از جمله برنامه‌ريزي، سازماندهي، هماهنگي، رهبري و در نهايت با كنترل و ارزشيابي روند كار انجام مي‌دهند، و به مقتضاي بروز نيازهاي جديد و يا پديداري دانش نو در زمينه‌هاي علمي و تكنولوژي، آموزش و پرورش افراد جامعه را به منظور غلبه بر جهل و پيشرفت به مقاصد موردنظر رهنمون مي‌سازند.

 **بيان مسأله:**

در جهان امروز آموزش و پرورش همگاني در همه مراحل آن و آموزشهاي تخصصي كاربردي براي كاركنان و كارمندان جزء اولويتهاي هر كشوري مي‌باشد. و بر اين اساس هر كشوري ساليانه بخش بزرگي از درآمد خود را صرف گسترش و بهبود كارهاي آموزش و پرورش مي‌نمايد و همواره جهت افزايش اين سرمايه‌گذاري تلاش مي‌نمايد و از آنجا كه آينده و سرنوشت هر ملتي از طريق آموزش و پرورش رقم مي‌خورد، اهميت مديريت سازمانهاي آموزشي قابل توجه است. متأسفانه در كشور ما به اين مهم كمتر توجه شده است و به امر مديريت سازمانهاي آموزشي از نظر تربيت مديران لايق و شايسته و ايجاد آمادگي‌هاي لازم در آنها توجه زيادي نشده است.

در نظام آموزشي كشور ما، معمولاً افراد از مسير معلمي به مناصب و سمتهاي مديريت و رهبري آموزشي دست مي‌يابند و از اين رو، احتمالاً مفهوم درستي از مديريت و رهبري در ذهن ندارند. آنها كار مديريت را از ديدگاه معلمان مي‌نگرند. گرچه اين نگرش خوب و لازم است ولي كافي نيست. نقش مديريت و رهبري آموزشي بايد با توجه به همه عناصر و عوامل موثر در محيط آموزشي ايفا شود. از اين رو، لازم است افرادي كه به مديريت مراكز و سازمانهاي آموزشي گمارده مي‌شوند به دانش و معلومات، نگرشها و مهارتهاي ويژه‌اي مجهز باشند. (علاقه‌بند، 1372)

روشن است كه با تربيت مديران شايسته براي سازمانهاي آموزشي مي‌توان كيفيت حرفه‌هاي موجود در جامعه را رشد داد. در صورت انتخاب مديران نالايق در مراكز آموزشي بايد سقوط كيفيت آموزشي وزارت آموزش و پرورش و در نهايت همه رشته‌هاي آموزش عالي و بالاخره جامعه و تمامي مشاغل موجود در آن را پيش‌بيني كرد.

مديریت صرفاً در مفهوم اداره كردن يك سازمان خلاصه نمي‌شود، بلكه يك مفهوم وسيعتر از آن را دربر مي‌گيرد، همچون هدايت كردن و بكارگيري آگاهيهاي شكل يافته كه توسل به آنها بازدهي سازمان را افزايش مي‌دهد. مديريت در مفهوم وسيع‌تر آن تخصص خاصي را لازم دارد كه فلسفه و روش و فنون خاصي را مي‌طلبد و مستلزم آگاهيهاي قبلي مديران از وظايف مديريت مي‌باشد. (عسكريان، 1374، ص146)

بنابراين آموزش مديران سازمانهاي آموزشي مناسب‌ترين راه رشد كيفيت آموزش است. زيرا با ايجاد كلاسهاي آموزش مديران در دانشگاهها مي‌توان بر ميزان تأثير آموزش دانشگاهي از طريق تأثير مديران آموزشي در راهنمايي و نظارت معلمين افزود، و از طرفي ديگر پيچيدگي و وسعت قلمرو وظايف و عناصر متشكله مدارس امروز در مقايسه با مدارس گذشته نياز به مديران شايسته را در اولويت قرار مي‌دهد.

**اهداف تحقيق:**

دوره متوسطه در رشد و شكوفايي استعداد و توانايي و در كسب مهارتهاي لازم در دانش‌آموزان نقش اساسي دارد، از اين رو مديران و دبيران اين دوره وظيفه خطير و حساسي را برعهده دارند. مديران دبيرستان نقش مهمي در موفقيت، كارآمدي واثربخشي نظام آموزش و پرورش دارند. فليپ كومبز (Philip Kombs) مي‌گويد: «اگر قرار است تحولي در عرصه تعليم و تربيت بوقوع بپيوندد، اين تحول و دگرگوني بايد از مديريت آموزش و پرورش آغاز شود.» (عسگريان، ص141)

در سطح دبيرستان، آگاهي مديران از اهداف دوره متوسطه و وظايف مديريت، آنان را در جهت برنامه‌ريزي، سازماندهي، هدايت و رهبري، هماهنگي و كنترل و ارزشيابي ياري مي‌رساند و موفقيت آنان را تا حدود زيادي تضمين مي‌كند. هر اندازه آگاهي مديران از موارد فوق بيشتر باشد، به همان اندازه اثربخشي آنان نيز بيشتر مي‌شود. به طور خلاصه اهداف اين تحقيق به صورت زير مي‌باشند:

1ـ تعيين ميزان آگاهي مديران از وظيفه برنامه‌ريزي و ارتباط آن با موفقيت شغلي مديران.

2ـ تعيين ميزان آگاهي مديران از وظيفه سازماندهي و ارتباط آن با موفقيت شغلي مديران.

3ـ تعيين ميزان آگاهي مديران از وظيفه هدايت و رهبري و ارتباط آن با موفقيت شغلي مديران.

4ـ تعيين ميزان آگاهي مديران از وظيفه هماهنگي و ارتباط آن با موفقيت شغلي مديران.

5ـ تعیین میزان آگاهی مدیران از وظیفه تصمیم گیری و ارتباط آن با موفقیت شغلی مدیران

6- تعيين ميزان آگاهي مديران از وظيفه كنترل و ارزشيابي و ارتباط آن با موفقيت شغلي مديران.

**فرضيات تحقيق:**

**فرضيه اصلي:**

بين ميزان آگاهي مديران از وظايف مديريت آموزشي و موفقيت شغلي آنان همبستگي وجود دارد.

**فرضيات فرعي:**

1ـ بين ميزان آگاهي مديران از وظيفه برنامه‌ريزي و موفقيت شغلي آنان همبستگي وجود دارد.

2ـ بين ميزان آگاهي مديران از وظيفه سازماندهي و موفقيت شغلي آنان همبستگي وجود دارد.

3ـ بين ميزان آگاهي مديران از وظيفه هدايت و رهبري و موفقيت شغلي آنان همبستگي وجود دارد.

4ـ بين ميزان آگاهي مديران از وظيفه هماهنگي و موفقيت شغلي آنان همبستگي وجود دارد.

5ـ بین میزان آگاهی از وظیفه تصمیم گیری و موفقیت شغلی آنان همبستگی وجود دارد.

6- بين ميزان آگاهي مديران از وظيفه كنترل و ارزشيابي و موفقيت شغلي آنان همبستگي وجود دارد.